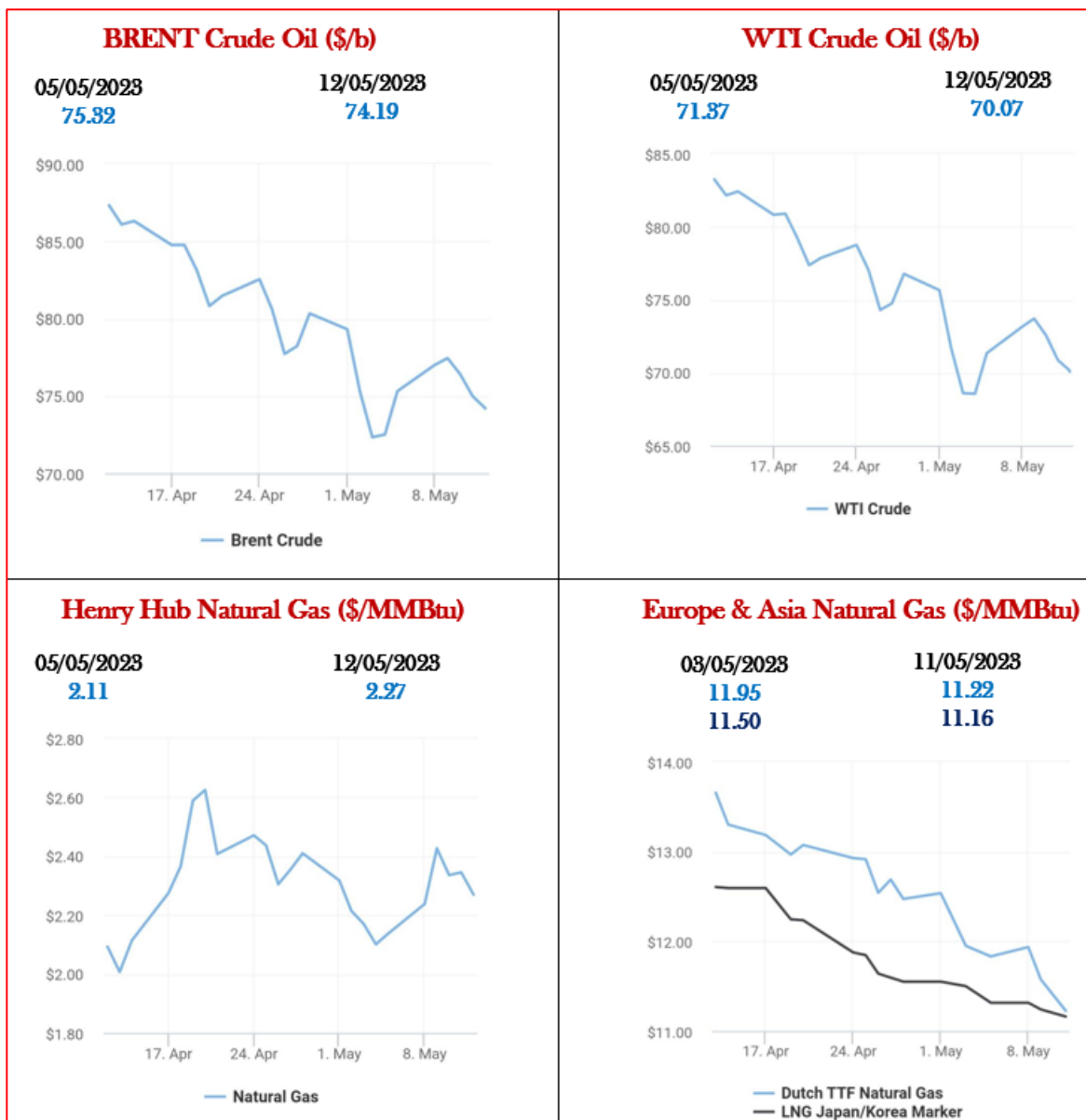




پایش بازار



پویایی های بازار

نفت خام برنت دریای شمال صبح امروز در لندن به قیمت ۷۴/۱۹ دلار هر بشکه معامله شد. نفت خام وست تگزاس اینترمدییت در بازار کاشینگ به قیمت هر بشکه ۷۰/۰۷ دلار هر بشکه به فروش رفت. در بازار گاز طبیعی در منطقه هنری هاب یک میلیون واحد حرارتی انگلیسی (بی تی یو) به قیمت ۲/۲۷ دلار معامله شد. همین مقدار از گاز طبیعی در بازار رتردام در اروپا به ۱۱/۲۲ دلار تنزل پیدا کرد. در شرق دور همین مقدار گاز طبیعی به صورت مایع شده (ال.ان.جی.) به ۱۱/۱۶ دلار هر میلیون بی تی یو کاهش یافت. این چهارمین هفته هست که قیمت شاخص های نفت خام به صورت متوالی سقوط می کند. نفت تگزاس در آستانه ورود به کریدور ۶۰ دلار هر بشکه است. مهم ترین نکته کاهش تقاضا در آستانه ورود به تابستان و همچنین کمتر شدن مصرف کالا در برخی از مناطق جهان به خصوص آمریکای شمالی و چین است. برخی از گزارش ها حاکی از آن است که در چنین قیمت نازلی ایالات متحده در حال پر کردن ذخایر راهبردی (SPR) است.

عوامل افزایش قیمت

- **تضعیف دلار:** کره جنوبی و اندونزی به منظور کنار گذاشتن دلار در تجارت دو جانبه توافقنامه امضاء کردند.
- **کمک اتحادیه اروپا به اوکراین به منظور خرید تسلیحات:** شورای اتحادیه اروپا با اختصاص یک میلیارد یورو به اوکراین به منظور خرید تسلیحات موافقت کرد. در ۱۳ اردیبهشت ۱۴۰۲، دولت ایالات متحده اعلام کرد ۳۰۰ میلیون دلار دیگر به اوکراین کمک می کند این حمایت نظامی جدید، سی و هفتمین بسته از کمک های واشنگتن برای اوکراین است که مجموع کمک های ارسالی را به ۳۵/۷ میلیارد دلار می رساند.
- **آتش سوزی گسترده در پالایشگاه نفت شل ایالات متحده:** آتش سوزی گسترده در پالایشگاه شرکت نفت و گاز شل در «دیر پارک» که از عصر ۱۵ اردیبهشت ۱۴۰۲ به وقت محلی آغاز شده ادامه دارد و تاکنون ۸ زخمی برجای گذاشته است.

- **تشدید تنش میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان:** دو کشور جمهوری آذربایجان و ارمنستان یکدیگر را به گلوله‌باران مرزی متهم کردند که به گفته طرفین دستکم چهار سرباز در جریان درگیری زخمی شدند.
- **آتش‌سوزی در کانادا:** مقامات در آلبرتا، اصلی‌ترین استان تولیدکننده نفت در کانادا اردیبهشت ۱۴۰۲، به‌خاطر آتش‌سوزی‌های گسترده شرایط اضطراری اعلام کرده و تولید حداقل ۲۸۰ هزار بشکه در روز نفت که معادل بیش از ۳ درصد از تولید نفت این کشور است را متوقف کردند. صادرات گاز طبیعی کانادا به ایالات متحده در روز یکشنبه (۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲) تا ۱۸۷/۶ میلیون مترمکعب در روز کاهش یافت که پایین‌ترین رقم از آوریل ۲۰۲۱ را نشان می‌دهد. استان آلبرتای کانادا یک تابستان گرم و خشک را سپری می‌کند. تغییرات جوی، فعالیت شرکت‌های نفت و گاز را پرهزینه‌تر کرده است. آتش‌سوزی استان آلبرتا جدیدترین تهدید محیط‌زیستی است که صنعت نفت و گاز کانادا با آن مواجه شده است.

عوامل کاهش‌دهنده قیمت

- **بازگشت سوریه به اتحادیه عرب:** در نشست وزرای خارجه کشورهای عربی در قاهره با بازگشت سوریه به اتحادیه عرب موافقت شد. همچنین خبرگزاری سانا ۲۰ اردیبهشت ۱۴۰۲، اعلام کرد که بشار اسد، رئیس جمهوری سوریه دعوت‌نامه رسمی سلمان بن عبدالعزیز، پادشاه عربستان سعودی برای حضور وی در نشست سران عرب در عربستان سعودی را دریافت کرده است.
- **دیدار مشاور امنیت ملی کاخ سفید با ولیعهد عربستان سعودی:** در بحبوحه تنش‌های طولانی‌مدت بین کاخ سفید و عربستان سعودی، مشاور امنیت ملی کاخ سفید یکشنبه (۱۷ اردیبهشت ۱۴۰۲) با ولیعهد عربستان سعودی دیدار کرد.
- **همکاری ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی:** مسئول سیاست خارجی اتحادیه اروپا از تماس تلفنی با وزیر امور خارجه ایران خبر داد و گفت که همکاری تهران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی شتاب گرفته است.
- **سرمایه‌گذاری توتال در عراق:** دو طرف، قراردادی را در سال ۲۰۲۱ منعقد کردند که براساس آن شرکت توتال توافق کرد چهار پروژه در بخش‌های بالادستی نفت و گاز و تجدیدپذیر در جنوب عراق در مدت ۲۵ سال با سرمایه‌گذاری اولیه ۱۰ میلیارد دلار احداث کند. اما این

پروژه بزرگ در بحبوحه اختلافات و جدال میان سیاستمداران عراقی بر سر مفاد قرارداد، مسکوت ماند. با این حال، ماه گذشته عراق به سهم کمتر از ۳۰ درصد در این پروژه رضایت داد و توافقی را به جریان انداخت که می‌تواند سرمایه‌گذاری خارجی را دوباره به این کشور برگرداند. تقاضای عراق برای سهم ۴۰ درصدی در این پروژه، موضوع اصلی مورد اختلاف بود زیرا شرکت توتال خواهان سهم حداکثری بود.

➤ **تداوم حضور نفت روسیه در بازار:** گزارش جدید مرکز تحقیقات انرژی و هوای پاک (CREA)^۱ نشان می‌دهد که کشورهای غربی نفت خام روسیه به ارزش ۴۲ میلیارد دلار را در قالب فرآورده‌های نفتی گوناگون از کشورهایی که با روسیه در ارتباط هستند خریداری کرده‌اند که هند پیشتاز این کشورهاست. به‌عنوان مثال، صادرات گازوئیل هند در مارس ۲۰۲۳ نسبت به یک سال گذشته سه برابر شده و به ۱/۶ میلیون بشکه در روز رسیده که گازوئیل را به یکی از بزرگ‌ترین اجزای تجارت هند و اتحادیه اروپا تبدیل کرد.

➤ **احیاء روابط ایران و مصر:** مقامات مصری و عراقی به روزنامه نشنال امارات گفتند که مصر و ایران از ماه مارس در بغداد پایتخت عراق برای گفتگو در مورد عادی سازی روابطشان گفتگو می‌نمایند.

➤ **بهبود روابط ایران و عربستان سعودی:** احسان خاندوزی، وزیر اقتصاد ایران در رأس هیئتی اقتصادی به عربستان سعودی سفر کرد. دیدارهای دوجانبه با مقامات عربستانی و حضور و ایراد سخنرانی در نشست‌های بانک توسعه اسلامی از مهم‌ترین اهداف این سفر است.

➤ **کاهش واردات نفت چین:** اداره کل گمرک چین روز سه‌شنبه (۱۹ اردیبهشت ۱۴۰۲) اعلام کرد که ارزش واردات نفت این کشور در چهار ماهه اول سال ۲۰۲۳ به ۱۰۴/۶۹ میلیارد دلار رسیده که نسبت به مدت مشابه سال قبل ۱۱/۶ درصد کاهش یافته است. شرکت‌های چینی در ماه آوریل ۳۱۱ میلیون بشکه نفت وارد کردند که ۱۹ درصد کاهش نسبت به ماه مارس نشان می‌دهد. هزینه این واردات به حدود ۲۴/۵ میلیارد دلار رسید که ۱۹/۵ درصد کمتر از ماه قبل بوده است. براساس اطلاعات منتشر شده در سایت گمرک، هزینه گاز وارداتی چین در چهار ماهه نخست امسال ۲۱/۵۸ میلیارد دلار بوده که نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۰/۲ درصد کاهش داشته است.

¹ Centre for Research on Energy and Clean Air

تفسیر مفهومی - جایگاه متصور برای ایران در نظم نوین جهانی؛ بخش دوم

سیستم به مجموعه‌ای از عناصر اطلاق می‌شود که با یکدیگر در تعامل بوده و دارای مرزهای مشخصی است که آن را از محیط پیرامون خود جدا می‌کند. سیستم‌ها در علوم مختلفی از جمله علوم طبیعی (نظیر ستاره‌شناسی، فیزیک، و زیست‌شناسی) و علوم اجتماعی (نظیر سیاست، اقتصاد، و جامعه یا روابط بین‌الملل) مورد استفاده قرار می‌گیرند و به محققان کمک می‌کنند تا با دید کلی، الگوی روابط میان واحدها و نظم درونی آن را ارزیابی و تحلیل نمایند. براساس تعریف هافمن، نظام بین‌الملل الگویی از روابط میان واحدهای اولیه سیاست جهانی است؛ الگویی که براساس گستره اهدافی که واحدها دنبال می‌کنند و کنش‌هایی که بین آن‌ها انجام می‌شود، و همچنین ابزارهای مورد استفاده برای دستیابی به آن اهداف و انجام کنش‌ها، مشخص می‌شود. دانشمندان گوناگون در طول تاریخ، مدل‌ها و الگوهای متفاوتی از نظام بین‌الملل را ارائه و تفسیر کرده‌اند که بسته به دیدگاه‌ها و تحلیل‌های متفاوت از روابط میان دولت‌ها و عناصر تأثیرگذار در رفتار آن‌ها، این الگوها نیز از یکدیگر تمایز داشته‌اند. به‌عنوان مثال نظریه و مدل موازنه قوا، یکی از انواع نظریه‌پردازی‌های سیستمی در روابط بین‌الملل است که قدمت آن به قرن‌ها پیش باز می‌گردد؛ با این حال، همچنان پیچیدگی‌های نظری و چالش‌های تجربی مطالعه علمی نظام‌های بین‌الملل، فوق‌العاده دشوار است. بنابراین اینگونه نیست که مدلی جامع وجود داشته باشد که اکثریت اندیشمندان بر روی آن اجماع داشته و کاملاً به‌صورت تجربی به اثبات رسیده باشد. اما همچنان تفسیر نظام بین‌الملل در چارچوب این مدل‌ها می‌تواند در فهم و برداشت ما از پیچیدگی‌های آن سودمند واقع شود.

۱- برای تحلیل نظم نوین جهانی باید کمی به تاریخچه آن نگاه کنیم. با شروع فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی از سال ۱۹۹۱، جهان دوقطبی پایان یافت. در حالیکه ایالات متحده قدرتمندتر از سایر کشورها ظاهر شد، بسیاری از کشورها نیز مانند آلمان و ژاپن به‌عنوان قدرت‌های بزرگ اقتصادی نمایان شدند. بنابراین بسته به اینکه چگونه نظم جهانی پس‌از جنگ سرد را تحلیل کنیم، ممکن است آن را به‌عنوان یک جهان تک‌قطبی یا چندقطبی توصیف کنیم. در عین حال اگر بخواهیم موشکافانه‌تر بررسی کنیم، شاهد پویایی‌ها و نوساناتی در توزیع قدرت از آن زمان تا به اکنون هستیم. پس از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی، با اینکه نظام سیاسی روسیه از مدل بسیار متمرکز کمونیستی به مدل فدراسیونی تغییر پیدا کرد، نزدیکی راهبردی جمهوری خلق چین و روسیه بیشتر شد و

رفته رفته لزوم نوعی اتحاد منطقه‌ای و سپس بین‌المللی برای دو دولت آشکار شد. زمانیکه جبهه غرب شروع به تغییر توزیع قدرت در منطقه بالکان نمود، چین و روسیه نیز نسبت به آغاز نوع ویژه‌ای از همکاری‌ها با یکدیگر به منظور محافظت از منافع مشترک‌شان احساس نیاز کردند، که از جمله آن‌ها تلاش برای شکل‌دهی به یک نظام بین‌المللی چندقطبی بود. همچنین پس از اهمیت دیپلماتیک چندجانبه‌گرایی، به‌خصوص پس از آغاز جنگ‌ها و بحران‌های منطقه‌ای پسافرورپاشی اتحاد جماهیر شوروی و افزایش تجارت بین‌المللی و روابط متقابل اقتصادی کشورها در چارچوب جهان‌گرایی، لزوم این شکل از روابط برای دو کشور نمایان شد. شواهد این مسئله را می‌توان در همبستگی میان اعضاء و ایجاد بریکس (چین، روسیه، برزیل، هند، و آفریقای جنوبی) در راستای حفظ و گسترش نفوذ منطقه‌ای و بین‌المللی دید.

۲- اگر نظام بین‌الملل را از زمان فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در ۱۹۹۱، نظام تک‌قطبی تفسیر کنیم، بسیاری نظام پس از بحران مالی جهانی ۲۰۰۸ را آغاز «مدل چندقطبی پیچیده» تلقی کرده‌اند. بدون شک از آن زمان شاهد حرکت مرکز ثقل اقتصادی از دموکراسی‌های فرا آتلانتیک به سمت آسیا هستیم که منجر به ظهور چین در شبکه‌ای متراکم از روابط تجاری دوجانبه شد. از منظر اقتصادی، نظام بین‌المللی پس از ۲۰۰۸ را می‌توان به سه قطب ایالات متحده، چین، و اتحادیه اروپا تقسیم کرد. اگرچه از منظر سیاسی ساختار جهان پیچیده‌تر است، زیرا هر چند کشورهای نظیر روسیه، ایران، و ترکیه دارای جایگاه «قدرت اقتصادی جهانی» نیستند، قدرت‌های قوی و بانفوذ سیاسی و نظامی منطقه‌ای به حساب می‌آیند. دوقطبی راهبردی چینی-آمریکایی به‌خصوص از ۲۰۱۸ و شکل‌گیری پدیده جدایی چین و ایالات متحده در حوزه‌های فناوری، امنیت، و ژئوپلیتیک در حال تشدید و به‌طور فزاینده‌ای شکل‌دهنده سیستم جهانی است. با این حال یک پژوهش از گروه تحقیقاتی مورگان استنلی با عنوان «پنج دلیل پیش رفتن به سمت جهان چندقطبی» استدلال می‌کند که در یک دنیای اقتصادی چندقطبی، گروه‌هایی از کشورهای با نفوذ برای دنبال کردن راهبردهای اقتصادی وجود دارند که در صورت دستیابی به آن‌ها، لزوماً به دنبال تبعیت از مراکز قدرت جهانی فعلی نخواهند بود. در میان تنش‌های ژئوپلیتیکی مستمر میان ایالات متحده و چین، دیگر کشورها و بازیگران مجبور به انجام یک اقدام متعادل‌کننده هستند.

۳- نقطه عطف اتحاد راهبردی چین و روسیه با تمرکز بر حرکت به سوی جهان چندقطبی، پیش از حمله روسیه به اوکراین آغاز شد. این دو کشور طی بیانیه مشترکی در فوریه ۲۰۲۲

ضمن محکوم کردن ایالات متحده بابت تلاش برای گسترش ناتو و نظامی‌تر کردن روابط میان دو ابرقدرت، طرفداری خود را از نظام بین‌المللی چندقطبی مطرح کردند. هم‌اکنون پس از گذشت بیش از یک سال از جنگ اوکراین و تلاش‌های بلوک غرب جهت انزوای روسیه، شاهد پیشرفت روابط چین و روسیه در حوزه‌های انرژی، ژئوپلیتیک، و ژئواکونومیک هستیم. ظهور ابتکار یک کمربند-یک جاده چین، تلاش این کشور برای نقش‌آفرینی بیشتر در منطقه خاورمیانه، تشکیل بانک سرمایه‌گذاری زیرساخت آسیا و بانک توسعه جدید (که قبلاً بانک بریکس بود) نشانه‌های دیگری از چرخش به سمت دنیای چندقطبی هستند و فضای رقابتی جدیدی را برای افزایش نفوذ بین ایالات متحده و چین فراهم می‌کنند. این فضا در حال شکل‌دهی به اتحاد‌های جدید سیاسی و همچنین زیرساخت‌های نهادهای اساسی است. شاید بتوان استدلال کرد که جهان در حال گذار به سوی یک نظام دو قطبی، در قلب چندقطبی پیچیده است. در دنیای کنونی که کشورها به سوی منطقه‌گرایی سوق داده می‌شوند، صرف در نظر گرفتن قطب‌های بزرگ این نظام، ما را دچار خطای محاسباتی و غفلت از نگاه جزءگرایانه می‌کند. بنابراین در تحلیل نظام کنونی و مسیری که پیشروی آن است، در نظر گرفتن مناطق و قدرت‌های منطقه‌ای نیز اهمیت زیادی دارد.

۴- نظام در حال ظهور کنونی دارای عدم قطعیت‌های فراوانی است و کشورها باید در سیاست‌گذاری‌های بلندمدت خود آن‌ها را در نظر بگیرند. به‌عنوان مثال دور از تصور نیست که در آینده‌ای نه چندان دور، کشوری مانند هند نیز با توجه به توسعه‌های اقتصادی و جمعیتی‌اش طی سال‌های اخیر، به‌عنوان یکی از قطب‌های قدرت جهانی ظاهر شود. از سوی دیگر با پدیده واگرایی در میان اعضای اتحادیه اروپا مثل خروج بریتانیا از این اتحادیه، ممکن است شاهد افول آن در نظام بین‌المللی در حال ظهور باشیم. پس از حمله روسیه به اوکراین و موضع‌گیری قاطعانه اکثر کشورهای اروپایی علیه روسیه، شاهد نوعی واگرایی در این رابطه در میان کشورهای مجارستان، صربستان، و ایتالیا، بعد از روی کار آمدن جورجیا ملونی، نخست وزیر راست‌گرای ایتالیا با گرایش‌های فاشیستی هستیم. در این صورت این پرسش مطرح می‌شود که آیا اتحادیه اروپا می‌تواند در رویارویی با چالش‌های اصلی قرن بیست‌ویکم از جمله بحران انرژی و افزایش تنش‌های ژئوپلیتیک، دیدگاه مشترک سیاست خارجی خود را حفظ کند؟ حتی در صورت همگرایی، با ادامه اتکاء اروپا در مسائل راهبردی امنیتی به ایالات متحده، این تردید را ایجاد خواهد کرد که آیا اتحادیه اروپا قادر است در نظم نوین جهانی به‌عنوان یک بلوک مستقل منطقه‌ای عمل

کند. البته برخی موضع‌گیری‌های قدرت‌های این منطقه، به‌خصوص آلمان و فرانسه، نشان از تمایل به نوعی از استقلال سیاستی نسبت به ایالات متحده می‌دهند. مثلاً اولاف شولتز، صدر اعظم آلمان، در سفر خود به چین (به‌عنوان اولین رهبر اروپایی که بعد از شیوع کووید-۱۹ به این کشور سفر می‌کرد) بیان کرد که مراکز جدید قدرت در دنیای چندقطبی در حال ظهور هستند و هدف ما ایجاد و گسترش مشارکت با همه این قدرت‌هاست. هرچند به‌طور کلی جنگ روسیه علیه اوکراین موجب همگرایی بیشتر اروپا، اهمیت و برجسته‌شدن ارزش‌های غربی و ترویج احساس وحدت با ایالات متحده شد.

۵- حال به بحث اصلی یعنی جایگاه متصور برای ایران در نظام کمتر شناخته شده جهانی با تکیه بر انرژی می‌پردازیم. در میان عدم قطعیت‌های موجود در نظام بین‌الملل در حال گذار، بلوک‌بندی‌ها، سیاست‌گذاری‌ها، و از همه مهم‌تر برقراری اتحادها و همگرایی‌های منطقه‌ای نقش به‌سزایی در جایگاه فعلی و آینده کشورها خواهد داشت. در نظام‌های بین‌المللی شدیداً قطبی‌شده، کشوری مانند ایران با وجود منابع غنی انرژی و داشتن قدرت و نفوذ منطقه‌ای سه راه پیشروی خود دارد:

- پیوستن به یکی از بلوک‌ها؛ بدین معناست که اعضاء در سیاست‌های بین‌المللی و منطقه‌ای الزاماً همگرایانه عمل خواهند کرد و در صورت وقوع جنگ، در یک جبهه خواهند بود. قاعدتاً با توجه به سیاست نگاه رو به شرق ایران، سابقه همکاری‌های راهبردی این کشور در حوزه‌های انرژی و امنیتی با چین و روسیه، و مناقشات و منازعات حل‌نشده با بلوک غرب علی‌الخصوص ایالات متحده، در این سناریو ایران به بلوک شرق می‌پیوندد. همانطور که پیش‌تر اشاره شد، عدم قطعیت‌ها در نظام‌های در حال گذار فراوان هستند. احتمال ظهور چین و هند در آینده نزدیک به‌عنوان قطب‌های قدرت جهانی وجود دارد. با توجه به راهبرد کنونی ایران، محتمل‌ترین گزینه در این سناریو پیوستن ایران به بلوک است که چین و روسیه در آن حضور دارند.
- موضع‌گیری بی‌طرفانه؛ اتخاذ بی‌طرفی در صورتی امکان‌پذیر است که کشورها در صورت وقوع تنش و مقابله، و همچنین در دوره صلح، در هیچ منازعه و مناقشه‌ای، چه بین‌المللی و چه منطقه‌ای ورود پیدا نکنند. ایران هم‌اکنون با یکی از قطب‌های قدرت این نظام، در سطح بین‌المللی و منطقه‌ای در منازعه است. گروه نخبگان در ایران معتقدند ایالات متحده در مسائل داخلی ایران دخالت می‌کند، به‌دنبال سیاست تغییر رژیم در ایران است و در سطح منطقه‌ای و بین‌المللی با نفوذ و سوء استفاده از قدرت‌اش، سعی در انزوا و مهار ایران را دارد. اگر از منظر اقدامات مخفیانه، جنگ‌های

نیابتی و حملات سایبری به اقدامات طرفین نگاه بیاندازیم، ایران و ایالات متحده هم‌اکنون در شرایط جنگی هستند. بنابراین اتخاذ سیاست بی‌طرفی برای ایران امکان‌پذیر نیست. این گزینه بعید است و برای کشوری مانند ایران عملی نیست.

- **ایجاد بلوک‌بندی منطقه‌ای؛** در نگاهی واقع‌گرایانه به‌خصوص در نظام‌های شدیداً قطبی شده درمی‌یابیم دولت‌های کوچک‌تر، با وجود قدرت، نفوذ سیاسی، و نظامی منطقه‌ای، نمی‌توانند به تنهایی در برابر قدرت‌های جهانی و بلوک‌بندی‌های نظام بین‌المللی بایستند و سیاست مطلقاً مستقل و جداگانه‌ای را دنبال کنند. ایران نیز از این قاعده مستثنی نیست. اما با اتحاد‌های منطقه‌ای می‌توان به مثابه یک بلوک منطقه‌ای مانند اتحادیه اروپا عمل کرد. تغییرات و گذار بین‌المللی اکنون بر هیچ دولتی پوشیده نیست. یکی از علل چرخش سیاست خارجی عربستان سعودی و اقدام آن در جهت مصالحه با ایران با میانجی‌گری چین، همین است. ریاض به دنبال تنوع‌گرایی در سیاست خارجی خود، اتحاد‌های بین‌المللی‌اش، و به‌طور کلی چیدن تخم مرغ‌هایش در سبدهای گوناگون است. هر چند هنوز متحد ترجیحی خود را ایالات متحده بداند، اما این تغییر رویه نشان از تمایل عربستان سعودی به سیاست‌های مستقلانه‌تر و داشتن گزینه‌های متعدد در عرصه روابط بین‌المللی دارد. در صورت حرکت به سمت فضایی شدیداً قطبی‌شده، کشورها دیگر به راحتی قادر نخواهند بود این چنین تخم مرغ‌هایشان را آرام در سبدهای گوناگون جای دهند؛ حتی عربستان سعودی. اما در صورت اتحاد‌های منطقه‌ای، می‌توان به‌عنوان یک بلوک عمل کرد. ایران، عربستان سعودی، ترکیه، و مصر این پتانسیل را دارند که به‌عنوان قطب دولت‌های مسلمان به‌عنوان یک بلوک عمل کنند، اما رسیدن به این هدف نیازمند همگرایی‌های بیشتر این چهار قدرت منطقه‌ای و حل ریشه‌ای مناقشات و منازعات دیرینه همه طرف‌ها است. این کار سخت اما قابل دستیابی است، توافق ایران و عربستان سعودی می‌تواند چشم‌انداز امیدوارانه‌ای را برای رسیدن به این مهم برای ایران ترسیم کند.

۶- جغرافیای راهبردی ایران در منطقه خاورمیانه و حوزه خلیج فارس این امکان را به کشور داده است تا به‌عنوان یکی از مهم‌ترین نقش‌آفرینان منطقه‌ای عمل کند. همسایگی ایران با کشورهای مهم خاورمیانه، تسلط بر تنگه هرمز و دسترسی به منابع غنی انرژی خلیج فارس، جایگاه محوری ایران در اتصال شرق به غرب، و شمال به جنوب همگی از مزایای طبیعی جغرافیایی ایران به حساب می‌آیند. اما توجه به این نکته حائز اهمیت است که اکتفای صرف به نعمات طبیعی جغرافیایی می‌تواند منجر به بی‌بهره ماندن از این مزایا

شود. ایران باید با تمرکز بیشتر بر قدرت ژئوپلیتیکی و از طریق گسترش کریدورها و اتصالاتش با دیگر کشورهای منطقه، جغرافیای خود را پویا کند؛ به‌خصوص در چنین دوره‌ای که منطقه‌گرایی و وابستگی متقابل کشورهای همسایه روز به روز بر اهمیت‌اش افزوده می‌شود.

از این منظر نگاهی می‌اندازیم به فرصت‌های پیشروی ایران در این رابطه:

- کریدور متصل‌کننده شرق به غرب در طرح یک کمربند-یک جاده چین که از مسیر آسیای مرکزی، ایران، و آسیای غربی عبور می‌کند، و هم‌چنین کریدور میانی عبورکننده از قفقاز جنوبی مهم‌ترین مسیرهای ترانزیتی برای چین به حساب می‌آیند؛ علی‌الخصوص پس از جنگ اوکراین و بسته شدن مسیر ترانزیتی روسیه به سمت اروپا. هم‌چنین روسیه نیز بیش از هر زمان دیگری برای اتصال خود به کشورهای خاورمیانه، آسیای جنوبی، و خلیج فارس به ایران و کریدور شمال-جنوب نیازمند است. بنابراین ایران نقطه تقاطع و ادغام این کریدورهای حیاتی است. هم‌چنین به‌خصوص با وجود توافق تاریخی ایران و عربستان سعودی، و اظهار تمایل این کشور بر وابستگی متقابل اقتصادی و توسعه منطقه، ایران این فرصت را دارد تا گفتمان‌های منطقه‌ای خود را برای اتصال به کریدور چین-پاکستان و احیاء خط لوله گاز ایران-پاکستان-هند آغاز کند.
- مسئله دیگری که کشورهای منطقه را الزاماً به یکدیگر وابسته می‌کند، مقابله با تروریسم و افراط‌گرایی در منطقه و به‌خصوص در افغانستان، پاکستان، و عراق است. مسئله بنیادگرایی در این کشورها می‌تواند به سرعت از مسیر آسیای مرکزی و آسیای جنوبی قدرت‌های منطقه‌ای روسیه، چین، و هند را با معضلات امنیتی جدی مواجه کند. تجربه موفق ایران در مقابله با تروریسم در عراق و سوریه، و همسایگی آن با هر سه کشور مهم درگیر با افراط‌گرایی، این کشور را به یکی از مهم‌ترین نقش‌آفرینان چیدن راهبرد امنیتی منطقه بدل کرده است. خط زدن ایران از معادلات امنیتی منطقه در این رابطه امری غیرممکن است. بنابراین فرصت دیگری برای ایران فراهم است تا حضور خود را در سازمان همکاری شانگهای پررنگ‌تر کرده و با ابتکارات خود در حوزه مقابله با تروریسم، همگرایی منطقه‌ای را افزایش دهد.
- بهره‌برداری حداکثری از ظرفیت‌های ژئوپلیتیکی ایران تا حدودی نیازمند حل منازعات و مناقشات با بلوک غرب است. ایران حداقل باید با توافقات میان‌مدت از تنش بالا با بلوک غرب اجتناب کند. هرچند عربستان سعودی به دنبال توسعه مشارکت با کشورهای منطقه و شرق است، با این حال هنوز ایالات متحده را بزرگ‌ترین متحد خود

در نظام بین‌الملل چندقطبی می‌بیند. ترکیه با وجود اتخاذ سیاست‌های مستقلانه از بلوک غرب در حوزه‌های مختلف طی سال‌های اخیر، یکی از مهم‌ترین کشورهای ترانزیتی کالا و انرژی برای اروپا و از اعضای ناتو است. چین و بلوک غرب همچنان شرکاء اقتصادی مهم یکدیگر به حساب می‌آیند. بنابراین همگرایی ایران حتی با کشورهای منطقه نیز نیازمند عبور از دوران پرتنش با غرب است. به‌خصوص در دورانی که قدرت‌های اروپایی سعی دارند سیاست‌گذاری‌های بلندمدت خود را با توجه به گذار نظام بین‌الملل و مستقلانه‌تر از ایالات متحده تعیین نمایند، فرصت مناسبی برای ایران در این جهت فراهم خواهد آمد.

- خاورمیانه در بدترین وضعیت زیست‌محیطی و شرایط اقلیمی قرار دارد. رفع و یا کاهش پیامدهای زیست‌محیطی جز با همکاری‌های منطقه‌ای و بین‌المللی امکان‌پذیر نیست. جستجوی راه حل این بحران از دیگر مواردی است که به‌خصوص کشورهای منطقه را دچار وابستگی متقابل می‌کند. ایران نیز به‌عنوان بخشی از این جغرافیای درگیر با پیامدهای شدید زیست‌محیطی، فرصت این را دارد که از طریق همکاری با دیگر کشورهای منطقه، علی‌الخصوص چین و جذب سرمایه‌گذاری‌ها، معضلات خود را در این بخش با سرعت بیشتری بهبود بخشد.

همکاران این شماره: مریم هاشمی نژاد، حسن راعی، و عباس ملکی